

۱۲- نقش عباتی در اعلامیه‌های انقلابی

در بسیار از این اعلامیه‌های انقلابی امضا و نام من هم هست. من اعلامیه‌ها را توزیع هم می‌کردم. من مخصوصاً در دو اعلامیه خیلی نقش به‌سزایی داشتم. یکی اعلامیه چهارده نفری معروف شد که فضلالی حوزه علمی و علماء حوزه و مدرسین حوزه علمی مرجعیت امام را معرفی کردند. که البته سیزده تا و به بیانی چهارده تا. چون، یکی از آن امضاها از بین رفت. در واقع چهارده تا ولی در ظاهر سیزده نفر را ما با آقایان رفتیم صحبت کردیم و حتی در بعضی از آن امضاها مفصل صحبت کردیم، استدلال کردیم، بحث شد و امضاها گرفته شد. بعضی اوقات مطالب را ارائه می‌دادیم تا آن اعلامیه و یا مقام مرجعیت امام را، آقایان می‌نوشتند که این یکی از آن کارهای پربار بود و در همان زمان من درست یادم است که مرحوم آیت‌الله حکیم که به درجه‌ی رفیع شهادت رسیدند^(۱) و ما برای این‌که هم شرکت کنیم در فاتحه مرحوم آی‌ها... حکیم و هم امام را معرفی کنیم، من به شهرستان بم رفتم و در بم سخنرانی داشتم. در قسمت‌های مختلف بم به نام بُراء، و بعد از دو سه روز که دیدم مرا می‌خواهند بگیرند و حرفهایم را زدم، از آن شهرستان خائفاً یَتَرَقُّبُ بیرون آمدم تا این‌که انقلاب نزدیک پیروزی شد.

من چنان‌که گفتم در دو سخنرانی بسیار بزرگ نیز که نقش بسزایی در پیروزی انقلاب داشت، ناطق و گوینده بودم یکی در جریان چهل‌م قم بود که در مسجد اعظم مجلس فاتحه گرفتند و من و جناب آقای ناطق نوری دو نفری گوینده‌ی آن جلسه بودیم و دیگری در مسجد جامع تهران به مناسبت چهل‌م شهدای تبریز.

۱- البته آیت‌الله سید محسن حکیم کشته نشد، بلکه فوت کرد، ولی ایشان تعبیر به «شهادت» کرده‌اند. یاد